

ارگتیو در گویش تالشی*

محرّم رضایتی کیشه خاله

تالشی از گویشهای ایرانی شمال غربی است که هم اکنون در حاشیه جنوب غربی دریای خزر، علاوه بر گیلان، در جمهوری آذربایجان نیز به آن تکلم می‌شود، و لهجه‌ها و گونه‌های متعددی دارد. از لهجه‌های تالشی می‌توان ماسوله‌ای، شفتی، ماسالی، خوشابری، پره سری، آسالمی، هشتپری، عنبرانی، لَنکرانی، ماساللی و... را نام برد که این تنوع گونه‌ای، بنابر گستردگی حوزه اقلیمی گویشوران (سپیدرود در جنوب، رود گر در شمال)، وجود موانع طبیعی، زندگی قبیله‌ای و عشیره‌ای، و نبود خط و آثار فرهنگی مدون، طبیعی به نظر می‌رسد، اما با دستکاری عوامل اجتماعی و فرهنگی برون‌زبانی، هر روز فاصله این گونه‌ها از هم بیشتر می‌شود. همه این لهجه‌ها، در حقیقت در سه گروه عمده، یعنی تالشی شمالی، مرکزی، و جنوبی جای می‌گیرند. در برخی گونه‌ها، مختصات اصیل و کهن (مثلاً ارگتیو) فراموش گشته و یا چنان متحول شده است که در مرحله گذار و نابودی است. موضوع «ارگتیو» و بررسی آن در زبان تالشی سابقه نسبتاً زیادی دارد. میلر، زبان‌شناس روس نخستین کسی است که به این مسئله در تالشی شمالی پرداخته و به تفصیل درباره آن سخن گفته است.^۱ بعد از وی برخی از زبان‌شناسان، از جمله، آرانسکی،^۲ احسان یارشاطر،^۳ و

* آقای رحیم نیکرام ماسوله، در تالشی جنوبی (ماسوله)، و آقای علی نصرتی و خانم مریم یوسفی، در تالشی جلگه‌ای جنوب، و آقای ماکسیم دلیناد، در برگردان برخی از قسمتهای کتاب زبان تالشی میلر، به اینجانب کمک فرموده‌اند؛ از همه آنها سپاسگزارم.

1. *Талы́шский язык*, Moscow, 1953, pp. 172-185.

۲. زبانهای ایرانی، ترجمه علی‌اشرف صادقی، انتشارات سخن، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹.

3. "The Tāleshi of Asalem", *Studia Iranica*, volume 25, 1996, pp. 77-104.

گرنوت. ل. ویندفور^۱ از «ارگتیو» و ویژگیهای آن در زبان تالشی بحث کرده‌اند. نگارنده نیز، قبلاً در یکی از مقالات خود^۲، به این موضوع در تالشی مرکزی پرداخته است.

در این تحقیق، موضوع «ارگتیو» در سه گونه عمده تالشی، مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته، و صورتهای مختلف آن، با مثالهای متعدد نشان داده شده است. مقصود از تالشی شمالی، تالشی آن سوی ارس، یعنی تالشی جمهوری آذربایجان است که به نظر نگارنده، تالشی عنبرانی اردبیل نیز، ادامه همین گونه است. مراد از تالشی مرکزی، گویشی است که میان دو رودخانه «ناورد» و «شفارود» تداول دارد و منظور از تالشی جنوبی، گویش ماسوله‌ای، به علاوه گویشهای جلگه‌ای دشت گیلان، است.

ساخت ارگتیو که برخی در زبان فارسی، آن را به اشتباه «مجهول» نامیده‌اند، حالتی است نحوی مربوط به فاعل فعلهای ماضی متعدی. در این ساخت، عامل (فاعل منطقی)، به حالت غیرفاعلی، و مفعول، به حالت فاعلی ظاهر می‌شود و در نوع کامل آن، فعل از نظر شمار (مفرد و جمع)، با مفعول، که در واقع فاعل دستوری است، مطابقت می‌کند.

ساخت ارگتیو در تالشی با افزودن ضمایر ارگتیو، و افزونه /-a/ یا /-e/ به ماده ماضی فعلهای متعدی ساخته می‌شود.

ضمایر ارگتیو افزونه‌دار، در گونه‌های مختلف تالشی به شرح زیر است:

تالشی جنوبی	تالشی مرکزی	تالشی شمالی	
(ə)m-a	(ə)m-a	(i)m-e	اول شخص مفرد
(i)y-a	(ə)r-a	e/i/ə	دوم شخص مفرد
(ə)š-a	(ə)š-a	(i)š-e/ž-e	سوم شخص مفرد
(ə)mun-a	(ə)mun-a	(i)mon-e	اول شخص جمع
(ə)n-a	(ə)run-a	on-e	دوم شخص جمع
(ə)šun-a	(ə)šun-a	(i)šon-e/žon-e	سوم شخص جمع

1. G. Windfuhr, "Cases, forms and uses in Iranian Languages and dialects", *Encyclopedia Iranica*, volume 5, pp. 25-37.

۲. «چند نکته دستوری در گویش تالشی»، مجله گویش‌شناسی، ج ۱، ش ۱، ۱۳۸۲، ص ۴۱-۵۲.

برای مثال، ماضی ساده /harde/ (= خوردن) را در تالشی صرف می‌کنیم:

تالشی جنوبی	تالشی مرکزی	تالشی شمالی	
hard-əma	hard-əma	hârd-ime	خوردم
hard-iyā	hard-əra	hârd-e	خوردی
hard-əša	hard-əša	hârd-iše	خورد
hard-əmunā	hard-əmunā	hârd-imone	خوردیم
hard-əna	hard-ərunā	hârd-one	خوردید
hard-əšunā	hard-əšunā	hârd-išone	خوردند

ضمایر ارگتیو می‌توانند از ماده فعل جدا شده به هر کدام از اجزای جمله متصل گردند؛ در این صورت، افزونه /-a/ یا /-e/ مستقیماً به ماده فعل می‌چسبد. نمونه اتصال و گردش پی‌بستهای ارگتیو را در شواهد زیر می‌بینیم:

۱. مفعول مستقیم:

- درز را بستیم. (ش) *dârz-emon davâst-e*
- رد پای گاو او را برداشتم. (م) *čayi gâ ria-m pegât-a*
- آنها را برداشتم. (ج) *avun-əm piyet-a*

۲. قید:

- گوسفند را کجا دید؟ (ش) *kiyoda-š pas vind-e?*
- اینجا دید. (م) *iyâ-š vind-a*

۳. متمم:

- به او گفتند. (ش) *ba-ai-žon vot-e*
- به کدخدا شکایت کردند. (م) *kattâ-šun šəkâyat kard-a*

۴. نقش‌نما:

- از حال او سؤال کرد. (ش) *čayi ku-š xaba gat-e*
- گاوها را از اصطبل بیرون کردیم. (م) *tavla kâ-mun mâle barkardin-a*
- در خانه صحبت کردند. (ج) *ka ko-šun loa kard-a*

۱. مقصود از (ش) تالشی شمالی، (م) تالشی مرکزی، و (ج) تالشی جنوبی است.

۵. جزء اسمی فعلهای ترکیبی:

• نگاه کرد. (ش) $\check{c}a\check{s}-\check{o}\check{s} \ k\check{a}rd-e$

• آتش زد. (م) $va\check{s}-\check{e}r \ \check{z}a$

۶. جزء وصفی فعلهای ماضی متعدی:

• پسر مرا گرفته بودند. (ش) $\check{c}\check{a}m\check{e} \ zoa \ gata-\check{s}un \ b-e$

• جو را پاشیده بودید. (م) $pe-\check{s}anda-run \ b-a \ \check{z}a$

گردش ضمایر ارکتیو در تالشی جنوبی کمتر صورت می‌گیرد چنانکه در تالشی شفقی، تقریباً نابود شده است.

قبل از بررسی و مقایسهٔ ساختهای ارکتیو در گونه‌های مختلف تالشی، لازم است به حالت‌های فاعلی و غیرفاعلی ضمایر منفصل و اسمها، اشاره کنم. ضمایر شخصی فاعلی عبارت‌اند از:

تالشی جنوبی	تالشی مرکزی	تالشی شمالی		
az	az	az	←	من
tə	tə	tə	←	تو
a/av	a/av	av	←	او
ama	ama	ama	←	ما
šəma	šəma	šəma	←	شما
aven	ayen/aven/aye	avon	←	آنها

ضمایر شخصی غیرفاعلی عبارت‌اند از:

تالشی جنوبی	تالشی مرکزی	تالشی شمالی		
mə/mən	mən	mən/mə/mən-i	←	من
tə	tə	tə/tə-ni	←	تو
ay	ayi	ai/av-i	←	او
ama	ama	ama/ama-ni	←	ما
šəma	šəma	šəma/šəma-ni	←	شما
avun	amun/avun	avon/avon-i	←	آنها

چنانکه می‌بینیم در تالشی شمالی، گاه با افزودن /-ni/ به آخر ضمایر فاعلی، ضمایر غیر فاعلی (مفعولی) ساخته می‌شوند. در تالشی مرکزی و جنوبی، اختلاف ضمایر شخصی فاعلی و مفعولی، در صیغه‌های اول شخص مفرد، و سوم شخص مفرد و جمع است. در نواحی جلگه‌ای تالش جنوبی،^۱ ضمیر فاعلی (az)، کاملاً از بین رفته اما در ماسوله که از مناطق کوهپایه‌ای است، این ضمیر همچنان به کار می‌رود.

شکل فاعلی و غیر فاعلی اسمها نیز، در تالشی از هم متمایز است. اسمهای مفرد، در حالت فاعلی، نشانه پایانی ندارند اما در حالت غیر فاعلی، اگر مختوم به صامت باشند، /-i/ می‌گیرند که با اندکی تفاوت آوایی، در همه گونه‌های تالشی به کار می‌رود:

تالشی جنوبی	تالشی مرکزی	تالشی شمالی		
yenak-i	žen-i	žen-i	←	زن
viz-i	vuz-i	viz-i	←	گردو
piniš-i	puneš-i	mučak-i	←	پشه

اسمهای مفرد اگر به مصوت ختم بشوند، در حالت غیر فاعلی نشانه‌ای نمی‌گیرند. اسمهای جمع نیز در تالشی، شکل فاعلی و غیر فاعلی دارند. نشانه جمع فاعلی، (-e/-en)، و جمع غیر فاعلی، (-un) است که به اسمهای مفرد مختوم به صامت، اضافه می‌شوند. در تالشی شمالی، اسمهای جمع، فقط نشانه (-un) می‌گیرند که بی‌هیچ تمایزی، هم در شکل فاعلی، و هم در حالت غیر فاعلی به کار می‌روند. در مثالهای زیر، شکل جمع فاعلی و غیر فاعلی pas/gusand (=گوسفند) را در گویش تالشی، صرف می‌کنیم:

جمع غیر فاعلی	جمع فاعلی	
pas-un	pas-un	تالشی شمالی:
pas-un	pas-e/en	تالشی مرکزی:
gusand-un	gusand-e/en	تالشی جنوبی:

در تالشی فعلهای متعدی در زمانهای ماضی مطلق، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی التزامی و ماضی بعید استمراری، ساخت «ارگتیو» دارند. در صرف فعلهای ماضی ملموس، ماضی استمراری و ماضی استمراری تمنائی، مثل فعلهای لازم، از شکل مستقیم استفاده می‌شود.^۲

۱. مانند ناحیه شفت و نصیرمحل، که در جنوب دشت گیلان، در مجاورت نواحی گیلک‌نشین واقع‌اند.

۲. رضایتی، «چند نکته دستوری در گویش تالشی»، ص ۴۶-۴۷.

در ساختهای «ارگتیو»، فاعل و مفعول، به یکی از اشکال زیر کاربرد دارند:

- | | |
|---------------------------|------------------|
| ۱. فاعل: اسم | مفعول: اسم |
| ۲. فاعل: اسم | مفعول: ضمیر شخصی |
| ۳. فاعل: ضمیر شخصی | مفعول: اسم |
| ۴. فاعل: ضمیر شخصی | مفعول: ضمیر شخصی |
| ۵. فاعل: ضمیر متصل مفعولی | مفعول: اسم |
| ۶. فاعل: ضمیر متصل مفعولی | مفعول: ضمیر شخصی |

اکنون با توجه به موارد فوق، به بررسی و توصیف وجوه متنوع «ارگتیو»، درگوش تالشی می‌پردازیم. شکل اول: فاعل و مفعول، هر دو اسم باشند.

در شکل اصلی، فاعل، حالت غیرفاعلی، و مفعول حالت فاعلی دارد:

• زن برای او چوب برد. (ش) *žen-i lavo bârd-iše bai-ku*

• زن برای او چوب برد. (م) *žen-i lās bard-əša čayi-râ*

در مثالهای فوق، فاعل اسمی (*žen-i*)، حالت غیرفاعلی، و مفعول اسمی (*lavo* و *lās*)، حالت فاعلی دارد.

در تالشی شمالی، مواردی یافت می‌شود که فاعل و مفعول اسمی، هر دو، در حالت فاعلی هستند:

• زن آش را فرو ریخت. *žen oš ekârd-iše*

• پلنگ زخم زد (زخمی کرد). *palang yara žâ-še*

در مثالهای بالا، عدم حالت «ارگتیو» در فاعل (*žen* به جای *žen-i*) و *palang* به جای *palang-i*)، با ضمائر متصل مفعولی (بی‌بسته‌های ارگتیو فعل) تا حدی جبران شده است. یعنی *ekârd-iše* به جای *ekârd-e* و *žâ-še* به جای *žâe*، به کار رفته است. چنین شکلی از ارگتیو در تالشی مرکزی و جنوبی مشاهده نمی‌شود.

در تالشی جنوبی، فاعل و مفعول اسمی، یا هر دو به صورت غیرفاعلی به کار می‌روند و یا اینکه مثل فارسی امروز، فاعل، شکل فاعلی، و مفعول، شکل مفعولی دارد:

• حسن گوسفند را دید. *hasan-e gusann-e vinn-əša*

• حسن گوسفندها را دید. *hasan gusann-e vinn-əša*

در برخی مناطق تالش جنوبی،^۱ حالت غیرمستقیم جملات (ارگتیو) از بین رفته است. به طوری که فاعل، شکل فاعلی، و مفعول، شکل غیرفاعلی دارد. اغلب در این جملات، ضمائر ارگتیو به فعل می‌چسبند که به نظر می‌رسد از حالت غیرفاعلی به در آمده، شکل فاعلی (شناسه فعل) پیدا کرده باشند:

• حسن گوسفند را دید. *hasan gusand-i vind-əša*

• حسن گوسفندها را دید. *hasan gusand-un vind-əša*

در تالشی شمالی و جنوبی، صورتی از ارگتیو دیده می‌شود که هم فاعل، و هم مفعول، بی‌آنکه با ضمائر ارگتیو همراه باشند، در حالت غیرفاعلی به کار رفته‌اند:

• مگس نمک ما را خورد. (ش) *čama nemek-i hârd-a muz-i*

• حسن پلنگ را دید. (ج) *hasan-e palang-e vinn-a*

در این گونه جملات به نظر می‌رسد که نشانه /-i/ یا /-e/ در نشان دادن حالت «ارگتیو» عامل، بسیار ضعیف شده و به حالت مستقیم نزدیک گردیده است. در تالشی مرکزی، چنین شکلی دیده نمی‌شود.

شکل دوم: فاعل اسم، و مفعول ضمیر شخصی باشد.

در شکل اصلی، فاعل اسمی، حالت غیرفاعلی، و مفعول ضمیری، حالت فاعلی دارد:

• زن او را آزاد کرد. (ش) *žen-i av oroxn-iše*

• زن او را آزاد کرد. (م) *žen-i a rāxnəst-a*

در مثالهای فوق، فاعل اسمی (*žen-i*)، در شکل غیرفاعلی، و مفعول ضمیری (*av, a*)، در شکل فاعلی به کار رفته است. اما در تالشی جنوبی، مفعول ضمیری، حالت غیرفاعلی دارد:

• زن او را آزاد کرد. *yenak-e/i ay rāxund-a*

در تالشی مرکزی و جنوبی، شکل فاعلی و غیرفاعلی ضمائر اول شخص جمع، و دوم شخص مفرد و جمع یکی است، اما، چنانکه قبلاً نیز نقل شد، در برخی از لهجه‌های تالشی شمالی، تمام ضمائر فاعلی، با افزودن /-i/ و /-ni/ به ضمائر غیرفاعلی تبدیل می‌شوند.

۱. مقصود، تالشی اطراف رشت، از جمله تالشی نصیرمحلّه و شفت است.

در عین حال، از ضمیر فاعلی /az/، هیچ‌گاه در ساخت ارگتیو، در نقش فاعل دستوری (مفعول معنایی) استفاده نمی‌شود. برعکس، به جای آن، ضمیر مفعولی /mən/، نقش دوگانه فاعلی و مفعولی ایفا می‌کند و این امر، چه بسا فرایند تحول و فروپاشی ساختار ارگتیو را در گویش تالشی تسریع کرده است:

- خون مرا احاطه کرده بود. (ش) *xun-i mə barda b-e*
- گرگ مرا ندید. (م) *varg-i mən nəvind-a*
- حسن مرا دید. (ج) *hasan-e mə vinn-a*

قابل ذکر است که در تالشی شمالی، به خاطر عدم کاربرد /az/ در ساختار ارگتیو، ضمیر غیرفاعلی /mən/ یا /mə/، فاعلی فرض شده، و از شکل /mən-i/ برای حالت غیرفاعلی آن استفاده می‌کنند. با این توجیه، /mən/ در مقابله با /mən-i/ شکل مستقیم (فاعلی) دارد، درست همان حالتی که به وسیله /az/ بیان می‌شود:

- خان مرا گسیل کرد. *xân mən-i voqând-aše*
- پلنگ او را گرفت. *palang ai egat-aše*

جملات فوق برخلاف شکل متعارف، به نظر می‌رسد که حالت مستقیم دارند. زیرا با وجود فعل ماضی متعدی، /xân/ و /palang/ شکل فاعلی، و /mən-i/ و /ai/ شکل مفعولی دارند، جز اینکه پی‌بستهای ارگتیو به فعل اضافه شده‌اند. چنین خصوصیتی اصلاً در تالشی مرکزی دیده نمی‌شود، اما چنانکه قبلاً نیز اشاره کردیم، در برخی از مناطق تالش جنوبی تداول گسترده‌ای دارد. شکل سوم: فاعل، ضمیر شخصی، و مفعول اسم باشد.

در شکل اصلی، فاعل ضمیری حالت غیرفاعلی، و مفعول اسمی حالت غیرفاعلی دارد:

- من دزد را گرفتم. (ش) *mə dəzd gat-e*
- آنها خرمن کوبیدند. (م) *amun darz kust-a*

در این مثالها، فاعل (mə, amun) در شکل غیرفاعلی، و مفعول (dəzd, darz) در حالت فاعلی ظاهر شده است. اما در تالشی جنوبی، مفعول اسمی، همچون مفعول ضمیری، حالت غیرفاعلی دارد و فقط فاعل حالت ارگتیو پیدا می‌کند:

- آنها نان را برداشتند. *avun nun-e piyet-a*

در مناطق جلگه‌ای تالش جنوبی، حالت ارگتیو فاعل نیز، از بین رفته، چنانکه جمله حالت مستقیم پیدا کرده است:

• آنها دزد را دیدند. *aven dæzd-i vind-šun-a*

در تالشی شمالی، مثالهای متعددی می‌توان یافت که از این قاعده عدول شده است. یعنی فاعل ضمیری، به صورت فاعلی به کار رفته، و گاهی مفعول اسمی نیز، شکل مفعولی پیدا کرده است:

- من غذا خورده‌ام. *az xorâk hârd-ame*
- من پول دادم. *az pul-im do-e*
- من خنجر را بیرون کشیدم. *az xanjil-i eku-ame*
- او دست مرا گرفت. *av gat-əše čəmə das-i*

در مثالهای بالا، ضمیر شخصی (*az, av*) در حالت فاعلی، و مفعول اسمی (*xorâk, pul*) در حالت فاعلی، و دو مفعول اسمی دیگر (*xanjil-i, das-i*)، در حالت غیر فاعلی است. چنین خصوصیتی، به ویژه دو مثال اخیر، نشان می‌دهد که در تالشی شمالی، برخی از اشکال ارگتیو، به حالت فاعلی یا مستقیم تبدیل شده‌اند.

علاوه بر این، گاهی نیز در جمله‌ای که در آن فعلهای لازم و متعدی به کار رفته‌اند، بین ساختهای فاعلی و ارگتیو تداخل پیش می‌آید:^۱

mən-an šem kalon vârd-əme araba-mon base-mon šemon ba viša

من هم رفتم گاو میشها را آوردم؛ آنها را به ارا به بستیم و به جنگل رفتیم.
در مثال فوق، فاعل فعل (*šem*=رفتم)، در اصل */az/* بوده است که ظاهراً به خاطر فعل متعدی (*vârd-əme* = آوردم) به */mən/* تبدیل شده است.

شکل چهارم: فاعل و مفعول، هر دو ضمیر شخصی باشند.

در شکل اصلی، فاعل ضمیری، حالت مفعولی و مفعول ضمیری حالت فاعلی دارد:

• او او را فرستاد. (ش) *ai av-əš voqand-e*

• من او را دیدم. (م) *mən a-m vind-a*

در جملات فوق */ai/* و */mən/* شکل غیر فاعلی و */av/* و */a/* حالت فاعلی دارند.

۱. رک. ارنسکی، زبانهای ایرانی، ص ۱۴۰.

چنانکه قبلاً آوردیم، در تالشی شمالی، ضمائر شخصی فاعلی و غیرفاعلی در صیغه‌های دوم شخص مفرد، اول، دوم، و سوم شخص جمع، شکل یکسانی دارند. در تالشی مرکزی و جنوبی، در صیغه‌های دوم شخص مفرد، اول و دوم شخص جمع مشترک هستند.

بنابراین، شکل فاعلی و غیرفاعلی ضمائر شخصی در این صیغه‌ها یکی است:

- ما شما را دیدیم. (ش) *ama šəma vind-e*
- آنها ترا دیدند. (ش) *avon tə vind-e*
- شما ما را دیدید. (م) *šəma ama vind-a*
- تو ما را دیدی. (ج) *tə ama vind-a*

البته در تالشی شمالی، شکل فاعلی این جملات، بر شکل ارگتیو آنها غلبه دارد:

- آنها مرا فرستادند. *avon mən-i voqand-išone*
- من آنها را فرستادم. *az avon-i voqand-ime*
- من او را به کربلا فرستادم. *az av-əm voqand-ame ba kabalo*

این مثالها، به خصوص دو جمله اول، به خوبی نشان می‌دهند که در تالشی شمالی، وقتی فاعل و مفعول هر دو ضمیر باشند، جز در موارد شاذ، حالت فاعلی پیدا کرده‌اند. در شواهد فوق، فاعل ضمیری (*avon, az*)، در حالت فاعلی، و مفعول ضمیری (*avon-i, mən-i*) در حالت غیرفاعلی قرار دارد، جز مثال آخر، که مفعول (*av*)، حالت فاعلی دارد و ضمیر ارگتیو (*əm*) به آن اضافه شده است که از این نظر، مؤلفه‌های ارگتیو را تا حدودی حفظ کرده است.

در تالشی مرکزی، شکل ارگتیو این جملات حفظ شده و تحولی نیافته است.

- او آنها را دید. *ayi aye-š vind-ina*
- آنها مرا دیدند. *amun mən-əšun vind-a*

نکته جالب در این مثالها، مطابقت فعل است با مفعول منطقی؛ در جمله اول، با وجود فاعل مفرد (*ayi*)، فعل به صورت جمع (*vind-ina*)، و در جمله دوم، با وجود فاعل جمع (*amun*)، فعل به صورت مفرد (*vind-a*) به کار رفته است.

در تالشی جنوبی استفاده از فاعل و مفعول ضمیری، عیناً همچون قواعد مربوط به اسمها

(شکل اول) است. یعنی فاعل و مفعول، یا هر دو، شکل غیر فاعلی دارند، و یا اینکه مثل فارسی امروز، جمله، حالت فاعلی پیدا کرده است:

• آنها او را دیدند. *avun ay vinn-a*

• آنها او را اینجا دیدند. *aven ayi yâ vind-əšun-a*

شکل پنجم: فاعل، ضمیر ارگتیو (ضمیر متصل غیر فاعلی)، و مفعول، اسم باشد. در شکل اصلی، مفعول حالت فاعلی دارد و بر فعل مقدم است:

• صابون را خریدم. (ش) *sobun-əm havat-e*

• بچه را بیدار کردی. (م) *xərdan-ər pe-kārd-a*

افعال بالا بدون افزونه‌های ارگتیو (-a و -e) نیز به کار می‌روند. اگر مفعول مقدم بر فعل بیاید ضمیر ارگتیو معمولاً به آن اضافه می‌شود و گرنه به فعل می‌چسبد.

در تالشی شمالی مواردی پیدا می‌شود که از این قاعده عدول شده است، یعنی مفعول اسمی در حالت غیر فاعلی است:

• وزیر را به مجلس پادشاه آوردند. *vazir-i vârd-əšone ba podšu majlis*

• آن خنجر را به دست خودم آورده بودم. *bašta das vârdâ b-im a xanjil-i*

در جمله دوم، ضمن آنکه مفعول، حالت غیر فاعلی دارد، ضمیر متصل نیز، مثل فعلهای لازم، به آخر فعل معین اضافه شده است، حال آنکه در ساخت ارگتیو، ضمیر متصل به صفت مفعولی (*vârdâ*) می‌چسبد. در جمله اخیر، ساختار *vârdâ b-im*، هیچ فرقی با فعلهای لازم، مثل *nəšta b-im* (نشسته بودم) ندارد. در این جمله، فروپاشی تمام مختصات ارگتیو را به روشنی می‌بینیم.

در تالشی مرکزی، شکل پنجم به درستی به کار می‌رود، ولی در تالشی جنوبی، مثل فارسی امروز، حالت فاعلی پیدا کرده است. یعنی مفعول، حالت غیر فاعلی دارد و ضمیر ارگتیو نیز، مثل ضمائر متصل فاعلی، به فعل اضافه می‌شود:

• آتش را ریخت. *âš-i vi-kard-əša*

شکل ششم: فاعل، ضمیر ارگتیو (ضمیر متصل مفعولی) و مفعول، ضمیر شخصی باشد: در شکل اصلی، ابتدا مفعول در حالت فاعلی می‌آید، سپس ضمیر ارگتیو به آن اضافه می‌گردد:

• او را کوبید (زد). (ش) *av-əš kü-a*

• آنها را دور انداختم. (م) *aye-m fər âdâ-na*

چنانکه قبلاً نیز گفتیم، در تالشی از ضمیر فاعلی /az/، هیچ‌گاه در ساخت ارکتیو، استفاده نمی‌شود، بلکه به جای آن، ضمیر مفعولی /mən/، نقش دوگانه مفعولی و فاعلی، ایفا می‌کند:

- مرا به جنگل فرستاد. (ش) *mən-əš voqand-e ba viša*
- مرا به جنگل فرستاد. (م) *mən-əš viša vis âkard-a*
- مرا گرفت. (ج) *mən-əš get-a*

البته در تالشی جنوبی، علاوه بر /mən/ بقیه ضمائر شخصی نیز در حالت مفعولی، شکل غیر فاعلی دارند:

- آنها را دیدم. *avun-əm vind-a*
- او را دیدند. *ay-šun vind-a*

در تالشی شمالی، گاه مفعول ضمیری شکل غیر فاعلی دارد و ضمیر ارکتیو هم به فعل می‌چسبد:

- شما را به جنگل فرستادم. *šəma-ni voqand-əme ba viša*

در این جمله، ساختار ارکتیو دگرگون شده است. بنابراین، نشانه اصلی فرایند فروپاشی ارکتیو، حالت غیر فاعلی مفعول است که این ویژگی در گویش ماسوله‌ای هم اکنون غلبه دارد. اگر همزمان فاعل نیز حالت فاعلی داشته باشد، در حقیقت فرایند تحول به کمال رسیده است. در این صورت، ضمائر ارکتیو، نقش خود را از دست داده به شناسه فاعلی تبدیل می‌شوند، امری که به ندرت در گونه شمالی نیز می‌بینیم:

- من شما را به جنگل فرستادم. *az šəma-ni voqand-əme ba viša*

در مثال بالا، فاعل (az) حالت فاعلی، و مفعول (šəma-ni) حالت مفعولی دارد. ضمیر متصل (əme) نیز، هیچ فرقی با شناسه فعلهای لازم ندارد، و در واقع به شناسه فاعلی مبدل شده است. این ویژگی (حالت فاعلی) در اکثر لهجه‌های جلگه‌ای تالش جنوبی، مثلاً تالشی شفقی، مشاهده می‌شود:

- آنها او را دیدند. *aven ay vind-əšuna*
- من آن را برداشتم. *mə ay piget-əma*

در تالشی مرکزی، شکل صحیح ارگتیو حفظ شده است و این تحولات هنوز به چشم نمی‌خورد. تنها فعلی که در تمام گونه‌های تالشی، و در کلیهٔ زمانها، شکل ارگتیو دارد /piste/^۱ به معنی خواستن، هوس کردن و میل داشتن است:

- mamad-i âv-əš piá b-e (ش) محمد آب خواسته بود.
- mamad-i âv-əš pida (ش) محمد آب می‌خواهد.
- amad-i nun pist-a (م) احمد نان خواست.
- amad-i nun ba-pisti-ya (م) احمد نان می‌خواهد.
- avun âv pe-yâ (ج) آنها آب خواستند.
- avun âv pe-ya (ج) آنها آب می‌خواهند.

موارد کاربرد این فعل در تالشی جنوبی، اکنون محدود شده و به جای آن، اغلب از مادهٔ /xâst-e/ (=خواستن) که ساخت ارگتیو ندارد استفاده می‌کنند. البته در تالشی شمالی و مرکزی، گاهی این فعل در زمان مضارع شکل فاعلی نیز پیدا می‌کند:

- az əštə saqləq-i pida-me (ش) من سلامتی تو را می‌خواهم.
- az bapist-ima ayi bivin-uma (م) من می‌خواهم او را ببینم.

ارگتیو و فعلهای لازم:

ساخت ارگتیو در تالشی به فعلهای ماضی متعدی منحصر نمی‌شود، بلکه گاهی صرف نظر از زمان، فعلهای غیرمتعدی (بیان حالت) را نیز در بر می‌گیرد:

- hasan-i teši-ya (م) حسن (را) تشنه است.
- mən xuš â (ج) مرا خوش می‌آید.

در مثالهای فوق، فاعل^۲ (mən, hasan-i) حالت ارگتیو دارد.^۳ البته گاهی نیز حالت فاعلی پیدا می‌کند که در این صورت جمله همیشه با ضمیر مفعولی همراه است:

- hasan teši-š-a (م) حسن تشنه‌اش است.
- az xuš-əm â (ج) من خوشم می‌آید.

۱. این مصدر در تالشی شمالی /pie/، و در تالشی جنوبی /pie/ و /piyen/ است.

۲. مقصود از فاعل در اینجا کنندهٔ منطقی نیست بلکه همان بهره‌ور فعل است.

۳. شاید برخی تصور کنند که فاعل در این شکل، همان متمم است؛ این تصور اصلاً درست نیست، زیرا اگر متمم باشد، در این صورت حتماً به شکل غیر فاعلی کلمه /râ/ اضافه می‌گردد. مثلاً: hasan-i râ tešnaki hest-a (= برای حسن تشنگی است).

چنانکه قبلاً آوردیم یکی از مختصات ارگتیو، گردش ضمیر مفعولی و الصاق آن به اجزای مختلف جمله است. این ویژگی در تالشی به فعلهای لازم و زمانهای مضارع و آینده نیز قیاساً تسری یافته است، به طوری که شناسه‌های فاعلی می‌توانند از فعل جدا شده به قید، نقش‌ما و ... اضافه شوند:

- حسن و اینا به خانه دارند می‌روند؟ (م) *hasan-me ká-na kâ baš?*
- با حسن همراه هستی؟ (م) *hasan-i-na-ša dare?*
- دیروز اینجا آمده‌ایم. (م) *izər-mun iyâ âm-a*

در جملات فوق، شناسه‌های فاعلی (-mun, -ša, -na) همچون ضمائر ارگتیو از فعل فاصله

گرفته‌اند که در اصل چنین بوده‌اند: *baš-in-a*; *dare-š-a*; *âma-mun-a*

نتیجه:

ساخت ارگتیو کم‌وبیش در تمام گونه‌های تالشی به کار می‌رود. شکل کامل آن در تالشی مرکزی حفظ شده، اما در تالشی شمالی و جنوبی متحول گردیده است، چنانکه تطابق فعل با مفعول در تالشی مرکزی دقیقاً رعایت می‌شود، اما در تالشی شمالی و جنوبی کاملاً از بین رفته است. به علاوه در تالشی جنوبی، شکل فاعلی مفعول نیز نابود شده است. در تالشی جلگه‌ای جنوب، ارگتیو در آستانهٔ فروپاشی قرار گرفته و در برخی مناطق آن اثری از آن مشاهده نمی‌شود.

در تمام گونه‌های تالشی، به ویژه تالشی شمالی، مواردی از کاربرد همزمان حالت فاعلی و غیرفاعلی جملات دیده می‌شود که در این گونه موارد، سیر تحول معمولاً به سوی غلبهٔ حالت فاعلی پیش می‌رود. در عین حال، بالاخص در تالشی مرکزی، جملات قابل توجهی وجود دارند که به نظر می‌رسد ساختمان دستوری آنها، صرف نظر از زمان و نوع فعلشان، متأثر از ساخت ارگتیو است.